

اشتغال و توسعه منابع انسانی

احمد مؤمنی

۱. نگاهی کوتاه به جمعیت ایران

۱-۱. روند رشد جمعیت

جمعیت ایران طی دو سرشماری عمومی و یک آمارگیری میان دوره‌ای جمعیت در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ بیش از ۲۲ میلیون نفر، یا ۶۵/۶ درصد کل جمعیت ۱۳۵۵ رشد یافته و به ۵۵/۸۳۷/۱۶۳ رسیده است. روند رشد جمعیت ایران بین دو سرشماری (۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵)، ۳۸/۳ در هزار و بین سالهای ۶۵ تا ۷۰ رشد ملایم‌تری داشته و به ۲۴ در هزار رسیده است. افزایش نرخ زاد و ولد در دهه ۶۰ بخصوص در نیمه اول آن بسیار چشم‌گیر و نامتعادل بوده است.

براساس اطلاعات و داده‌های بخش جمعیت شناسی (Department of Social affairs) (Population Division سازمان ملل که در دهه ۸۰ میلادی میانگین نرخ رشد جمعیت جهان را ۱۷ در هزار برآورد و اعلام کرده است (۱)، جمعیت ایران در طول ۱۵ سال، ۶۵/۵ درصد و جمعیت جهان در طول ۱۳ سال، ۲۵ درصد رشد یافته‌اند. این نابرابری نسبی در زمانی تقریباً مشابه، معلول نرخ باروری و حجم بالای زاد و ولد در جامعه‌های شهری و روستائی ایران بوده است.

۱-۲. تحول در ساختار سنی

جمعیت واقع در گروه سنی ۴-۰ ساله در سرشماری سال ۱۳۶۵، تولد یافته در سالهای ۶۵-۱۳۶۱ هستند و ۱۸/۳ درصد کل جمعیت را تشکیل داده‌اند، جمعیت ۹-۵ ساله نیز، تولد یافته در سالهای ۱۳۶۰-۱۳۵۶ هستند و ۱۵/۲ درصد از کل جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج آمارگیری جاری جمعیت ۱۳۷۰، برای نخستین بار در ۳۰ سال گذشته نشان داد که جمعیت رو به انبساط در قاعده هرم سنی در حال انقباض و کوچکتر شدن است، جمعیت ۴-۰ ساله که تولد یافته سالهای پایانی دهه ۶۰ و آرامش باز یافته پس از جنگ تحمیلی است، تاحدودی امیدوارکننده است.

جدول ۱. توزیع درصد جمعیت کمتر از ۱۵ ساله نسبت به کل جمعیت

در سالهای ۷۰-۶۵-۱۳۵۵

سال	۰-۴ ساله	۵-۹ ساله	۱۰-۱۴ ساله
۱۳۵۵	۱۶/۱	-	-
۱۳۶۵	۱۸/۳	۱۵/۲	۱۱/۲
۱۳۷۰	۱۴/۶	۱۶/۲	۱۳/۵

ماخذ. نشریه‌های سرشماری و آمارگیری جاری جمعیت مرکز آمار ایران

ملاحظه شد که جمعیت بطور طبیعی رشد یافته و بیشترین سهم را گروه‌های سنی ۹-۰۰ دارا بوده‌اند. در سال ۱۳۵۵ میانه سنی جمعیت ۱۷/۴ بوده که به ۱۶/۲ در سال ۶۵ کاهش یافته و این نشانه سطح بالای باروری و میل به جوانتر شدن جمعیت است؛ آمارهای حیاتی از طریق مطالعات جمعیتی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان ثبت احوال کشور و نیز آمارگیری جاری جمعیت مرکز آمار ایران تصویر تازه‌ای از کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت را ارائه می‌دهد.

مدل عمر برای جمعیت ایران در سالهای اوایل دهه ۷۰ برای مرد و زن (کل جمعیت)، ۶۶/۳ سال امید زندگی از بدو تولد را برآورده کرده است. با عنایت به کاهش و کنترل مرگ و میر نوزادان و مراقبت‌های بموقع از مادران در زمان بارداری و پس از آن انتظار می‌رود تا اواخر دهه ۷۰ رقم بالا بهبود یابد و به استانداردهای مطلوب‌تری برسد. اشاره شد که در سالهای اخیر از میزان باروری و نرخ زاد و ولد تا حدودی کاسته شده، لیکن روند شتابنده رشد بالای جمعیت تا سالیان پیاپی قابلیت‌های بالقوه بالای باروری جمعیت (Fecundability) همچنان پابرجا خواهد بود، زیرا هنوز (۱۳۷۰)، ۴۴/۳ و ۵۴/۹ درصد از کل جمعیت کشور به تربیت زیر سنین ۱۵ و ۲۰ توزیع یافته‌اند.

۲. مهاجرت

۲-۱. شدت جریان مهاجرت

مهاجرتهای داخلی در هر کشور، بخصوص در کشورهای روبه توسعه، ویژگیهای خود را دارد. انگیزه مهاجرت از روستا به شهر و از شهر به شهر و جابجایی در فضاهای اقتصادی و معیشتی کشور، غالباً با

انگیزه‌های اقتصادی صورت می‌گیرد و به بهانه «بدست آوردن کار بهتر با درآمد بیشتر»، «یافتن شغلی مناسب و تأمین آینده فرد و خانواده»، درصد ناچیزی هم با انگیزه‌های فرهنگی آموزشی جابجا می‌شوند. در ده سال پیش از سرشماری ۱۳۶۵، جریان مهاجرت از روستا به شهر شدت یافت و ۷/۸ درصد از جمعیت ساکن کشور از آبادیها به شهرها روانه شدند و حدود ۷/۵ درصد از جمعیت شهری در داخل شهرهای کشور جابجا شده‌اند، حجم و درصد مهاجرت در مناطق روستائی کشور رقم قابل ملاحظه‌ای نبوده است. جابجائی جمعیت و جریان مداوم آن از روستاها به شهرها همواره ادامه داشته و اضافه جمعیت آبادیها، به‌منظور کسب معیشت، سوادآموزی و مهارت، به شهرها سرریز کرده است، لیکن شدت و جهت مهاجرت در طول چند دهه گذشته در مقایسه با سالهای ۱۳۶۵-۱۳۵۵ هرگز سابقه نداشته است.

۲-۲. تأثیر مهاجرت در ساختار اجتماعی و اقتصادی

در مهاجرت‌های داخلی هر کشور، جریان مهاجرت روستائیان به شهرها، در ترکیب اجتماعی، ساختار سنّی، فرهنگ باروری، نوع معیشت و اشتغال جامعه مهاجرپذیر تأثیر می‌گذارد. بطوری که اشاره شد انگیزه اصلی این حرکات و جابجایی جمعیت را، همانند مهاجرت‌های بین‌المللی و میان‌قاره‌ای، عامل اقتصادی - اجتماعی بویژه عامل اقتصادی می‌توان ذکر کرد که از جمله پی‌آمدهای طبیعی رشد و توسعه اقتصادی در هر کشور است. تذکر این نکته در اینجا لازم است که هرگاه برنامه‌های توسعه و عمران کشور به‌گونه‌ای طراحی و به اجرا گذاشته شود که فعالیتهای عمرانی و سرمایه‌گذاری در بخشهای اقتصادی، فقط در مناطق شهری تمرکز یابد و جوامع روستائی و منابع انسانی در آبادیها را در برنگیرد، جریان مهاجرت از روستا به شهر شدت می‌گیرد و همگام با رشد سرمایه‌گذاری بر شدت جریان افزوده می‌شود.

مهاجرت‌هایی که با انگیزه‌های اقتصادی صورت می‌گیرند، مهاجرت‌های بین منطقه‌ای، جهانی و یا داخل هر کشور، همیشه به دلایل یافتن کار، کار بهتر، یافتن مشاغل با منزلت اجتماعی بالاتر و سرانجام رفاه و تأمین بیشتر فرد و خانواده بوده و هست. به سخن دیگر در حالت طبیعی، (نه وضعیت غیرطبیعی مانند جنگ، قحطی و بیماریهای واگیردار منطقه‌ای) جریان همیشگی مهاجرت از سوی محیط فقیر با سطح معیشت پست، بسوی محیط پر رونق و مجامع با سطوح بالاتر زندگی برقرار است و این جریان از گذشته دور تا به امروز، یک هنجار بوده و هست و یکی از مهمترین عوامل رشد شهرها و شهرنشینی بویژه در کشورهای روبه رشد، عامل مهاجرت از روستا به شهرها است.

۲-۳. چند مقایسه آماری:

در سال ۱۳۳۵، جمعیت ساکن در شهرهای ایران $31/4$ درصد - ۱۳۴۵، ۳۹ درصد - ۱۳۶۵، $54/3$ درصد و در سال ۱۳۷۰ این نسبت به ۵۷ درصد افزایش یافته است. رشد شهرنشینی در نروژ در طول ۹۳ سال $24/5$ درصد، در دانمارک در فاصله ۸۹ سال $49/1$ درصد، در کانادا در فاصله زمانی ۸۹ سال $57/6$ درصد، در کشور نروژ بطور متوسط سالانه $0/26$ درصد، و در دو کشور اخیر به ترتیب $0/55$ و $0/65$ درصد رشد شهرنشینی بوده حال آنکه در ایران $0/75$ درصد رشد شهرنشینی در ۳۴ سال بوده، است که حتی از کشور کانادا که یکی قطب‌های مهاجرپذیر جهان است، رشد شهرنشینی بیشتر بوده است. هر گاه روند توسعه، به ثبات جمعیت و کاهش نرخ مهاجرت بیانجامد و اعمال سیاستهای درست در مدیریت منابع انسانی و برنامه‌ریزی در جهت توسعه هماهنگ شهر و روستا از قوه به عمل درآید، روند بسوی جامعه پایدار میل می‌کند. به عنوان مثال، پیش‌بینی شده است که بر جمعیت کشور فرانسه در فاصله ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ میلادی $1/5$ میلیون نفر افزوده شود، یعنی بطور متوسط سالانه ۱۵۰ هزار نفر افزایش جمعیت بادر نظر گرفتن رشد طبیعی و نرخ خالص مهاجرت، وجود خواهد داشت. مقایسه می‌شود با حجم مهاجران وارد شده به استان تهران در فاصله سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ (شامل کلیه شهرستانهای استان تهران قابل مقایسه در دو سرشماری) که جمعاً $1/226/160$ نفر بوده است که میانگین سالانه مهاجرت، ۱۲۳ هزار نفر، رقمی است بسیار نزدیک به رشد سالانه جمعیت ۵۶ میلیونی کشور فرانسه.

۳. نیروی کار

۳-۱. ساختار نیروی کار

جمعیت‌شناسی اقتصادی، عامل انسان و منابع انسانی را در تولید کالا و ارائه خدمات مورد نیاز جامعه و توسعه پایدار بررسی می‌کند. هدف این بررسیها نخست شناخت و سنجش کمیت‌های منابع انسانی است، که از راه و روش طبقه‌بندیهای ویژه با قابلیت تطبیق و مقایسه اجزایی (Segment) و یا تمامی منابع در مقاطع زمانی، در یک منطقه، یک کشور یا بین مناطق و چند کشور صورت می‌گیرد. ابزارهایی که در سنجش و طبقه‌بندیها بکار می‌روند عبارت از: اطلاعات آماری پایه، آمارهای تخصصی و آمارهای حیاتی، با تعاریف و مفاهیم بکار گرفته شده در سیستم‌های استاندارد شده‌ای هستند که از سوی سازمانهای علمی بین‌المللی و ملی در یک کشور پذیرفته شده‌اند؛ بر مبنای این تعاریف و اصول و روشها است که مفهوم نیروی کار، فعالیت اقتصادی، کار، اشتغال، بیکاری، و دهها شاخص و نرخ و نسبت‌های دیگر اقتصادی،

اجتماعی جمعیت در سطحی گسترده و یکسان امکان می‌یابند تا مورد تحلیل علمی و مقایسه‌ای قرار بگیرند. براساس روند حرکات جمعیت (دگرگونی ساختاری) در زمانهای گذشته، وضعیت موجود ارزیابی می‌شود و راه را برای آینده‌نگری و حرکات استراتژیک و یا تعیین هدفهای مشخص ملی هموار می‌سازد. پس از شناخت و سنجش کمیت‌های منابع انسانی، شناخت کیفیت و حدود توسعه یافتگی منابع با تدوین شاخصهای معتبر، از طریق تبدیل شاخصهای کمی به شاخصهای کیفی انجام می‌گیرد. این سنجش از تحلیل و بررسی، لزوماً بر اطلاعات دقیق آماری از فضای علمی، فنی و تکنولوژیک جامعه، سطح تخصص و مهارتهای نیروی کار، بهره‌وری نیروی کار، سطوح استانداردهای آموزشی و کیفیت زندگی، معیشت و رفاه نیروی کار در هر جامعه تکیه دارد.

اطلاعات و آمارهای موجود از منابع سرشماریها و نمونه‌برداریهای به هنگام فصلی، آمارگیریهای جاری میان دوره‌ای، امکان شناخت و سنجش کمی منابع انسانی را در جامعه‌های شهری و روستائی کشور و در استانها و جوامع کوچکتر ممکن و ماتریسهای تقاطعی از گروههای سنی و جنس عوامل اجزائی جمعیت، چون جمعیت در سن کار، نرخ فعالیت اقتصادی جمعیت، اشتغال و بیکاری و مانند آنها فراهم می‌سازد، اما از کیفیت و محتوای نیروی کار مانند مهارت و تخصص جمعیت بیکار جویای کار خبر نمی‌دهد. بنابراین نقص اطلاعات سبب می‌شود تا بررسیها ژرف‌تر گردد و اطلاعات کافی از منابع انسانی شاغل یا بیکار جویای کار و یا هر یک از اجزاء دیگر جمعیت جمع‌آوری شود. یا اینکه کمیت و کیفیت مهاجران وارد شده در یک دوره مراجعه آماری (پنج سال یا ده سال و ...) به یک استان، یک شهرستان یا در سطح کل کشور و چگونگی توزیع واردشدگان در بافت جامعه میزبان (مهاجرپذیر) در مناطق شهری و روستائی با پارامترهای مورد نظر مورد شناسایی قرار گیرد.

بنابر آنچه که گفته شد این نکته نیز افزوده شود که تحلیل و شناخت وضعیت موجود از جمعیت فعال به اطلاعات و داده‌های آماری تخصصی تر و تا حدودی بروز احتیاج دارد تا برنامه‌ریزیهای توسعه ملی، آموزش و تربیت و تأمین نیروی کار مورد نیاز بخش‌های اقتصادی و سرانجام برنامه‌ریزی نیروی انسانی دقیق‌تر و هدف‌مندتر امکان‌پذیر گردد.

۳-۲. روند تحول در نرخ فعالیت

جمعیت بالقوه فعال (پتانسیل کار)، از نظر اقتصادی که در سنین ۶۴-۱۰ ساله توزیع گردیده‌اند بنا به دلایل اجتماعی در پاره‌ای از گروههای سنی دستخوش تغییر و تحول شده‌اند. نسبت جمعیت فعال به کل

جمعیت (نرخ خام فعالیت) در سال ۱۳۶۵ در مقایسه با جمعیت ۱۳۵۵ از ۲۹ درصد به ۲۵/۹ درصد کاهش یافته است، علت این کاهش رشد جمعیت، افزایش شمار جمعیت در زیر سنین کمتر از ۱۰ ساله است. این نسبت در سال ۱۳۷۰ در مقایسه با سال ۶۵ باز هم کاهش نشان می‌دهد. ۲۴/۴ درصد.

۳-۳. اشتغال

مهمترین بخش از جمعیت‌شناسی اقتصادی، بخش اشتغال نیروی کار و توزیع جمعیت شاغل در بخشهای عمده اقتصادی و بررسی روند تحول در فعالیتها و زیر گروههای بخشی است. داده‌های آماری در طول سالهای مختلف که مورد بررسی قرار گرفته، نشان می‌دهد که پا به پای افزایش جمعیت، رشد جمعیت فعال و جمعیت شاغل به کار از سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۰ و در نهایت ۱۳۷۳ افزایش یافته است. لازم به توضیح است که مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۳، اشتغال و بیکاری را از طریق خانوارهای شهری و روستائی بررسی نموده و در بهمن‌ماه ۱۳۷۴ به شمار ۲۴۰۴ از انتشارات مرکز آمار ایران منتشر ساخته است.

جدول ۲. توزیع درصد جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر کشور برحسب چگونگی فعالیت اقتصادی

در سالهای ۱۳۷۳-۱۳۵۵

فعالیت	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۳
شاغل	۳۸/۳	۳۳/۵	۳۳/۹	۳۲/۱
بیکار جویای کار	۴/۳	۵/۵	۴/۲	۳/۵
غیر فعال اقتصادی	۵۷/۴	۶۱/۰	۶۱/۹	۶۴/۴
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

مأخذ. نتایج سرشماریهای کل کشور و آمار جاری و نمونه‌ای مرکز آمار ایران.

میزان اشتغال برای جمعیت ده ساله و بیشتر، از سال ۱۳۵۵ به بعد علیرغم افزایش مطلق جمعیت شاغل، از ۳۸/۳ درصد به ۳۲/۱ درصد کاهش یافته است. حال آنکه شمار جمعیت شاغل از ۸/۷۹۹ هزار نفر در سال ۵۵ به ۱۳/۸۷۱ هزار نفر افزایش یافته؛ یعنی ۵۰۷۲ هزار نفر افزایش در شمار و ۶/۲ درصد رشد منفی در نرخ اشتغال دیده می‌شود.

جمعیت بیکار جویای کار، از سال ۱۳۶۵ تا سال ۷۳ روبه کاهش نهاده و از ۵/۵ درصد کل جمعیت فعال کشور به ۳/۵ درصد تنزل یافته است که رقم بسیار مناسبی است برای کشوری که دارای رونق اقتصادی و ساخت و ساز و آبادانی است. رقم چشم‌گیر و رشد معنی‌دار در جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی جای بحث و تفکر و تعمق را می‌گشاید، زیرا ۵۷/۴ درصد از جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر کشور در سال ۱۳۵۵ غیرفعال گزارش شده و این نسبت در مقاطع آماری تا سال ۱۳۷۳ به تدریج افزایش یافته تا به ۶۴/۴ درصد رسیده است. رقم عمده جمعیت غیرفعال را زنان خانه‌دار، محصلان، پیران و بازنشسته‌ها و معلولان از کار افتاده تشکیل می‌دهند.

شمار دانش‌آموزان دوره راهنمایی و دبیرستان (شامل دبیرستانهای غیرفنی و حرفه‌ای، هنرستانهای فنی و حرفه‌ای) در سال تحصیلی ۷۰-۱۳۶۹ تا سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲ از ۵/۰۵۲ هزار نفر به ۶/۵۸۷/۱ هزار نفر افزایش یافته است. در سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲ شمار دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور (۴۷۸/۴۵۵ نفر)، نسبت به سال پیش (۷۲-۷۱) معادل ۲۱/۳ درصد رشد داشته است. رشد دانش‌آموزان و دانشجویان در سالهای اخیر، تا حدودی درصد افزایش جمعیت غیرفعال را توجیه می‌کند ولی نسبت به درصد کل پاسخگو نمی‌باشد.

۳-۴. نسبت وابستگی معیشتی به نیروی کار

افزایش مداوم نسبت جمعیت غیرفعال و کاهش نسبی جمعیت شاغل، معادله دستها و دهانها را بهم می‌زند و نسبت وابستگی به نیروی کار را مداوم افزون می‌سازد.

جدول ۳. تحول نسبت وابستگی به نیروی کار کشور در سالهای ۷۳-۱۳۴۵

۱۳۷۳	۱۳۷۰	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	
۶۱/۳۴۷۰۰۰	۵۵/۸۳۷/۱۶۳	۴۹/۴۴۵/۰۱۰	۳۳/۷۰۸/۷۴۴	۲۵/۰۷۸/۹۲۳	کل جمعیت
۱۳/۸۷۰/۸۷۶	۱۳/۰۹۶/۶۱۵	۱۱/۰۰۱/۵۵۱	۸/۷۹۹/۴۲۰	۶/۸۵۸/۲۹۶	نیروی کار
۴/۴+۱	۴/۳+۱	۴/۵+۱	۳/۸+۱	۳/۶+۱	نسبت وابستگی

مأخذ. آمار سرشماری و آمار جاری جمعیت و برآورد برای سال ۱۳۷۳

نرخ بالای زاد و ولد، شمار و حجم جمعیت غیرفعال و سربار از نظر اقتصادی را افزایش می‌دهد، نسبت وابستگی معیشتی به نیروی کار کشور در سال ۱۳۴۵، ۳/۶ نفر به یک نفر بوده که با خود فرد

شاغل ۴/۶ نفر حساب می‌شود این نسبت در سال ۱۳۶۵ به علت رشد بی‌تناسب زاد و ولد و نرخ باروری به حد بالاتری یعنی ۴/۵ نفر به یک نفر (۵/۵ نفر) و در سال ۱۳۷۳ به ۴/۴ نفر (۵/۴ نفر) رسیده است که فقط ۰/۱ نفر از جمعیت سرپار کاهش یافته است

۳-۵. توزیع بخشی نیروی کار

توزیع جمعیت شاغل کشور در بخش‌های عمده اقتصادی، کالایی که تولید می‌کنند، کیفیت و کمیت کالاهای مصرفی یا سرمایه‌ای، میزان بهره‌وری عوامل تولید، بویژه بهره‌وری سرانه نیروی کار و مطالعاتی که باید در بخشهای اقتصادی شامل کشاورزی، صنایع و خدمات انجام پذیرد تا میزان شکوفائی و درجات و مهارت و تخصص و مدیریت منابع را بخوبی ترسیم نماید، در قلمرو اشتغال لازم و ضرور است و برخی از این مطالعات باید پیوسته و دایمی باشد.

جدول ۴. توزیع درصد جمعیت شاغل کل کشور بر حسب فعالیتهای اقتصادی
در سالهای ۱۳۷۳-۱۳۵۵

فعالیت نامشخص	خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی	خدمات مالی، بیمه و بانکی	حمل و نقل، ارتباطات و مخابرات	عمده‌فروشی و هتل‌داری	برق، گاز و آب	ساخت‌وساز	صنایع تولیدی	استخراج معدن	کشاورزی، شکار، صید ماهی، جنگلبانی و مراتع	جمع	سال
۰/۹	۱۷/۳	۱/۱	۴/۹	۷/۶	۰/۷	۱۳/۵	۱۹	۱	۳۴	۱۰۰	۱۳۵۵
۳/۳	۲۷/۷	۱/۰	۵/۷	۸/۰	۰/۸	۱۱	۱۳/۲	۰/۳	۲۹	۱۰۰	۱۳۶۵
۴/۳	۲۶/۹	۱/۵	۵/۸	۹/۵	۰/۹	۱۰/۵	۱۵/۴	۰/۸	۲۴/۵	۱۰۰	۱۳۷۰
۰/۹	۲۲/۵	۱/۰	۶/۷	۱۲/۵	۱/۰	۹/۴	۱۸/۸	۰/۹	۲۶/۳	۱۰۰	۱۳۷۳

مأخذ. همان مأخذ

دیده شد، در طول بیش از ۱۵ سال از ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۳، که آمار و ارقام موجود است سطح اشتغال از ۳۸/۳ درصد به ۳۲/۱ درصد جمعیت واقع در سن کار (۱۰ ساله و بیشتر) تنزل یافته است. بدیهی است

که این کاهش کمی نیروی کار در بخشهای اقتصادی به صورتی دیگر مشاهده شده است. در فعالیتهای بخش تولیدی شامل کشاورزی، صنایع و ساختمان، شمار و درصد قابل ملاحظه‌ای نسبت به سال پایه (۱۳۵۵) کاسته شده و به بخش خدمات انتقال یافته است. نیروی کار شاغل در دو بخش تولیدی (کشاورزی و صنایع) که در سال ۱۳۵۵ بیش از ۶۸ درصد بوده است در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ به ترتیب به ۵۴/۳ و ۵۲/۱ درصد کاهش یافته و بخش خدمات در مجموع از ۳۰/۹ درصد سال ۱۳۵۵ در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ به ترتیب ۴۳/۲ و ۴۳/۷ درصد نیروی کار را به خود جذب نموده است.

۶-۳. وضعیت شغلی

یکی از مشخصه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی یک کشور، آرایش و توزیع نیروی کار شاغل در لحاظ وضعیت شغلی است که بازگوکننده تمرکز و یا تفاریق نیروی کار و سرمایه است. تراکم سرمایه و نیروی کار در بخش عمومی (دولتی) مسائل و مشکلات پیچیده‌ای به همراه دارد که مدیریت دولتی جز با روشهای بورورکراسی نمی‌تواند با مشکلات روبرو شود حال آنکه روش کاغذبازی در مدیریت روش منسوخ و عقب مانده است؛ کارکنان فامیلی و بدون مزد و حقوق نیز حکایت از تفرق نیروی کار با بهره‌وری بسیار ناچیز می‌کند. کارکنان مستقل، (خود اشتغالی) کسانی که نه از کسی مزد و حقوق دریافت می‌کنند و نه به فرد یا افرادی مزد حقوق می‌پردازند حتی شامل «کار به مزد» نیز می‌گردد که نوعی مقاطعه کاری است این چنین وضعیت شغلی نیز در بخش تولید بازده ناچیز دارد و فقط در بخش خدمات تاحدودی دارای بهره‌وری مناسب است. مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی می‌توانند در عرصه رقابت و تولید از لحاظ کمیت و کیفیت و بهره‌وری بالا یکی از هدفهای توسعه باشند.

جدول ۵. توزیع درصد جمعیت شاغل برحسب وضعیت شغلی در سالهای ۷۳-۱۳۵۵

سال	جمع	کارفرما	کارکن مستقل	مزد و حقوق بگیر دولتی	مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی	کارکنان خانوادگی بدون مزد	نامشخص
۱۳۵۵	۱۰۰	۲/۱	۳۱/۹	۱۹/۰	۳۴/۹	۱۱/۶	۰/۵
۱۳۶۵	۱۰۰	۳/۰	۳۹/۹	۳۱/۳	۱۷	۴/۵	۴/۲
۱۳۷۰	-	-	-	-	-	-	-

ماخذ، همان ماخذ.

۳-۷. شاخصهای کیفی نیروی کار

در سال ۱۳۵۵ از کل جمعیت شاغل بکار کشور، ۵۹/۳ درصد بی سواد و بقیه دارای سواد بوده‌اند (مطابق تعریف سواد) شاغلان با سواد در سطوح مختلف تحصیلی به شرح زیر توزیع شده‌اند ۴۹/۵ درصد دارای سواد از اول تا پایان دوره ابتدایی، ۱۳/۱ درصد دارای سواد قدیمتر (خواندن و نوشتن)، ۲۷/۵ درصد دارای تحصیلات دوره راهنمایی و متوسطه عمومی و ۲/۴ درصد مدرک فنی و حرفه‌ای بوده‌اند. ۲/۵ درصد دارای تحصیلات عالی تا حد فوق دیپلم و ۵/۰ درصد دارای مدارک دانشگاهی لیسانس و بالاتر بوده‌اند.

جدول ۶. توزیع جمعیت شاغل بر حسب وضعیت سواد و تحصیلات در سالهای ۱۳۶۵-۱۳۵۵

سال	جمع کل	بی سواد	جمع با سواد	غیر رسمی	ابتدایی و متوسطه راهنمایی	فنی و حرفه‌ای	فوق دیپلم	دانشگاهی
۱۳۵۵	۱۰۰	۵۹/۳	۱۰۰/۰	۱۳/۱	۴۹/۵	۲۷/۵	۲/۵	۵/۰
۱۳۶۵	۱۰۰	۴۰/۲	۱۰۰/۰	۹/۳	۳۸/۷	۴۴/۴	۷/۵	-

مأخذ. همان مأخذ.

نرخ بی سوادی تا حدود ۲۰ درصد در نیروی کار کشور کاهش یافته، آموزش متوسطه شامل آموزش فنی و حرفه‌ای از ۳۰ درصد کل نیروی کار به ۴۴/۴ درصد رشد یافته است.

۳-۸. مشارکت در فعالیتهای اقتصادی

در ایران نرخ مشارکت مردان و زنان در فعالیتهای اقتصادی، از گذشته دور تا به امروز تفاوت فاحش دارد. پژوهشهای مختلف در مقاطع زمانی برای یافتن علت یا علل واقعی خودداری و امساک زنان از مشارکت بیشتر و سهم‌گذاری بیشتر در تولید ملی بجایی نرسیده و پاسخ قانع‌کننده‌ای بدست نیامده است. هنوز میزان معلومات از حدود فرض و حدس و گمان فراتر نرفته است. هر چند که مشارکت مردان در فعالیتهای اقتصادی، در مقایسه با کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نیز تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد.

در سال ۱۳۶۵ مشارکت مردان و زنان در گروههای ۱۰ ساله و بیشتر در فعالیتهای اقتصادی

به ترتیب ۵۹/۵ و ۶/۱ درصد و سهم زنان در کل نیروی کار در همین سال ۹/۴ درصد. در سال ۱۳۷۰ مشارکت مردان و زنان ۱۰ ساله بیشتر در فعالیتهای اقتصادی به ترتیب ۵۹/۳ و ۶/۶ درصد و سهم زنان در کل نیروی کار در همین سال ۹/۴ درصد. در سال ۱۳۷۳ مشارکت مردان و زنان ۱۰ ساله بیشتر در فعالیتهای اقتصادی به ترتیب ۵۵/۳ و ۷/۶ درصد و سهم زنان در کل نیروی کار کشور ۱۱/۶ درصد. روند اشتغال زنان و مشارکت آنان در فعالیتهای اقتصادی جریان مثبت ولی بسیار کند نشان می‌دهد.

جدول ۷. نرخ اشتغال مردان و زنان و سهم اشتغال زنان از کل جمعیت شاغل در سالهای ۷۳-۱۳۶۵

۱۳۷۳		۱۳۷۰		۱۳۶۵		ایران
زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	نرخ اشتغال
۶/۶	۵۹/۳	۶/۶	۵۹/۳	۶/۱	۵۹/۹	نرخ اشتغال زنان
۱۱/۶	۸۸/۴	۹/۴	۹۰/۶	۸/۹	۹۱/۱	سهم مشارکت مردان و زنان از کل نیروی کار

مقایسه اشتغال مردان و زنان ایران و کره جنوبی

۱۹۹۲		۱۹۹۰		۱۹۸۵		کره جنوبی
زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	سهم مشارکت مردان و زنان از کل نیروی کار
۴۰/۲	۵۹/۸	۴۰/۷	۵۹/۳	۳۹	۶۱/۰	

مأخذ. Labour in Korea-Korea Labour Institute, 1993.

سهم مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی سهم قابل ملاحظه‌ای است و همین جمعیت فعال و شاغل بکار در بخش‌های عمده اقتصادی، کشور کره جنوبی را در ردیف یکی از مهمترین کشورهای تولیدکننده و صادرکننده شرق آسیا قرار داده است.

۴. بیکاری

پدیده بیکاری در اقتصاد کار و آمارهای نیروی کار، یک پدیده طبیعی است. در پیشرفته ترین کشورهای دارای نظام اقتصادی پویا و پر رونق تا کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته، این پدیده با شدت و ضعف نمایان می شود. جمعیت بیکار و جویای کار دارای دو منشاء اقتصادی واجتماعی است. (۱) تازه واردان به بازار کار که برای نخستین بار یا به علت فراغت از تحصیل و یا به دلایل دیگر در جستجوی کار سودآور، شرعاً و قانوناً مجاز هستند. (۲) آن عده از نیروی کار که به هر دلیل مشاغل خود را از دست داده اند و در جستجوی مشاغلی در خور مهارت و تجربه و تخصص خود می باشند.

جدول ۸. روند رشد اشتغال و نرخ فعالیت، و نرخ بیکاری که تفکیک جنس در سالهای ۷۳-۱۳۶۵

سال	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۳
نرخ فعالیت	۳۸/۹	۳۸/۱	۳۵/۳
نرخ بیکاری مردان	۵/۹	۸/۴	۹/۳
نرخ بیکاری زنان	۷/۷	۲/۷	۱۳/۲

در جدول ۸ ملاحظه می شود که نرخ فعالیت مردان و زنان به تدریج روند نزولی داشته است. در سال ۱۳۷۰ شمار جمعیت شاغل ۱۳/۰۹۶/۶۱۲ نفر و در سال ۱۳۷۳ یعنی پس از ۳ سال، شمار جمعیت شاغل بر ۱۳/۸۶۳/۰۷۲ نفر افزایش یافته است. میانگین افزایش جمعیت شاغل سالانه ۲۵۵/۴۸۷ برآورد شده است.

به همین دلیل است که کلیه عوامل منفی با ارقام بزرگ مانند نرخ بیکاری و شمار بسیار بالای جمعیت غیرفعال نسبت به سالهای گذشته خودنمایی می کنند.

۵. جمعیت و جمعیت در سن کار تا سال ۱۳۸۳

نرخ رشد جمعیت ایران در فاصله دو سرشماری ۶۵-۱۳۵۵ بسیار بالا توصیف شده است ۳۸/۳ در هزار و در فاصله سالهای ۷۰-۱۳۶۵ نرخ رشد جمعیت تا حدودی تعدیل یافته و به ۲۴ در هزار رسیده و پیش بینی رشد جمعیت برای سالهای ۷۸-۱۳۷۰، براساس نرخ به دست آمده ۲۴ در هزار و از آن پس

تا سال ۱۳۸۳ با نرخ رشد ۲۲ در هزار برآورد شده است.

جدول ۹. جمعیت پیش بینی شده سال به سال تا میانه سال ۱۳۸۳ (به هزار نفر)

۷۰/۷۳۳	۱۳۷۹	۶۲/۸۵۵	۱۳۷۴
۷۲/۴۲۶	۱۳۸۰	۶۴/۳۲۹	۱۳۷۵
۷۴/۰۱۷	۱۳۸۱	۶۵/۹۰۰	۱۳۷۶
۷۵/۹۱۹	۱۳۸۲	۶۷/۴۶۶	۱۳۷۷
۷۷/۷۳۷	۱۳۸۳	۶۹/۰۶۲	۱۳۷۸

برآورد براساس نرخ رشد طبیعی جمعیت و آمارهای رسمی کشور، صورت گرفته است.

۶. آینده و توسعه پایدار

توسعه پایدار زمانی فراهم می‌گردد که منابع انسانی کشور در وضعیت ثابت و نظام یافته‌ای حرکت کند. بدین معنی که نرخ باروری و نرخ رشد طبیعی جمعیت به حداقل بیولوژیکی تقلیل یابد. ترکیب گروههای سنی مرد و زن در هر یک از گروههای استاندارد شده سنی ثابت بماند. و نیروی کار تازه نفس و تازه وارد به بازار کار منظم گردد و براین اساس نظام آموزش و بازآموزی نیروی کار با نیازهای زنان و با جهت‌گیری‌های تکنولوژی‌های ملی طراحی و اجرا شده و اشتغال و بیکاری و جابجایی نیروی کار در مشاغل و حرف قابل پیش‌بینی می‌گردد.